

مشکلی بنام ادا ازلی خدا

بمثنای پیشین البت نمود که آنچه در جهان رخ می دهد ، خارج از حوزه اراده خداوند نیست و هیچ موجود حادثه ای ، بدون اذن و اراده خدا ، جامه وجود به خود نمی پوشد ، بنابراین فعل انسانها که نمود ، از رویاندهای جهان است مورد خواست و متعلق اراده پروردگار جهان خواهد بود و اراده خداوند آنچنان نافذ و قطعی است که با فرض وجود آن ، متعلق میراد (فعل انسان) ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد ، زیرا چیزی که وجود آن ، مورد خواست خداوند باشد ، بدون چون و چسرا انجام می گیرد . در این موقع این سؤال پیش می آید که چگونه بشر در افعال خود ، مختار و آزاد است و سر- نوشت او در دست خود او است ، در صورتی که از اول اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که انسانی ، عمل خیر و باشری را انجام دهد ، و بسا وجود این اراده ، زمام اختیار دست انسان بیرون می زود و انسان به حکم اراده پیشین خدا ، ناچار باید آن را انجام دهد ، و ترک آن برای او ممکن نیست .

پاسخ : مسأله اراده ازلی خداوند پسگی از دلایل جبرها است و چندان ارتباطی به مسأله قضاء و قدر ندارد زیرا خواه ما به تقدیر و سرنوشت قبلی معتقد شویم و بگوئیم سرنوشت ما پیش از ما تعیین می شود و یا از اصل یک چنین تقدیر را انکار کنیم ، باید این مشکل حاصل کنیم ، و کسانی که برای جهان آفر بدگناری

دانای توانا و مرید، ثابت می‌کند و هیچ چیز و بودی را خارج از حوزه اراده او نمی‌داند، و از طرف دیگر بشر را قاعلمختار و آزاد می‌شمرند، ناید این گره را بگشایند.

در آغاز کار، اعتراف به اراده ازلی خداوند، با فرض مختار و آزاد بودن انسان در اعمال خود قدری سخت و مشکل به نظر می‌رسد، ولی با بررسی حواصیل دید که جمع میان این دو مطلب، چندان هم مشکل نیست و استنتاج «جبر بگری» از اعتراف به اراده ازلی، بسیار غلط و نادرست است.

در نظام طبیعی دو نوع علت داریم:

مطلبی که در حل مشکل اراده ازلی، بسیار مهم و حساس است شناسایی انواع علل خارجی است و اربیان آنها، شناسایی دو نوع، اهمیت شایانی دارد و این دو قسم عبارتند از شناسایی «فاعل مختار» و «علت مضطر» توضیح اینکه:

علتی داریم که دارای شعور و ادراک و اختیار و اراده است و در انجام عمل مورد نظر خود، مختار و آزاد است مانند انسان و در اصطلاح دانشمندان به این قسم «فاعل مختار» می‌گویند. در این مورد نه تنها وجود انسان در فعل او مؤثر است بلکه اراده و اختیار او نیز از مبادی و علل فعل وی شمرده می‌شوند و به عبارت دیگر: فاعلمختار، علتی است که

دوره در برابر او وجود دارد و با کمال آزادی و اختیار یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد.

نوع دیگر از علل درست نقطه مقابل آنست با اسلاف علم و شعور به خود و افعال خویش است و با ادراک و احساسی دارد ولی دارای اختیار و اراده نیست و این دسته از علل خواه فاقد شعور باشند با فاقد اختیار «فاعل مضطر» نامیده می‌شوند.

تابش خورشید، رشد و نمو گیاه از آن عللی است که از عمل و کار خود آگاهی ندارند و طبیعتاً در انجام آن، مضطر خواهند بود، جانوران و زنبور مورچه و سایر حشرات اگر چه از کار خود آگاه هستند اما عمل آنها صد درصد یک عمل غریزیست که از روی انتخاب و تصویب شورای عقل و خرد صورت نمی‌گیرد بلکه تمام کارهای آنان جلوه غریزه است و ارادی نیست

حل مشکل اراده ازلی

با در نظر گرفتن این دو نوع فاعل، مشکل اراده ازلی خود بخود حل می‌شود. زیرا درست است آنچه که در جهان هستی موجود می‌شود مورد تعلق اراده خداوند می‌باشد و خداوند از ارل خواسته است که چنین حوادثی در طبیعت متلازم رخ دهد ولی باید دید اراده خدا، چگونه تعلق گرفته است؛ اراده وی در اول بر این تعلق گرفته که هر معلولی

از علت خود سر برزند و هر پدیده‌ای از علت ویژه خود صادر گردد.

یعنی اراده او بر این تعلق گرفته که آفتاب بدون شعور و ادراک، اشعه خود را برده‌شد، و زمین و دریا، و زنبور عسل و مورچه از روی غریزه و با حس و شعور اما بدون اختیار و آزادی، شیره درختان را بمکند و لانه‌شش گروهای بسازد، و همچنین او خواسته است که انسان از روی اراده و با کمال اختیار و آزادی کارهای خود را انجام دهد.

و به عبارت روشن‌تر: ما بطور که اصل وجود انسان و فعل او مورد خواست خدا است همچنین صفت و قیدش از بیرون که همان «اختیاری بودن» آنست مورد خواست او می‌باشد.

یعنی چنین اراده ازلی نه تنها مخالف آزادی انسان است بلکه به وضع روشی آنرا تحکیم و تثبیت می‌کند.

در نظر ما منظور از آنست که در سوال مطرح گردیده است اراده خداوند نافذ و قاطع است و تخلف پذیر نیست و هر چه را بر شکل می‌بخشد به طور قطع به همان نحو انجام می‌گیرد، از آنجا که خداوند خواسته است که هر فعلی از علت ویژه خود صادر گردد، و چون انسان نسبت به افعال خود فاعلمختار و آزاد است ناچار خدا خواسته است که او عمل خود را از روی انتخاب

و اختیار انجام دهد، اگر او در عمل خود مختار و آزاد باشد و کار خود را از روی اختیار انجام دهد در این موقع خواسته خدا تحقق پذیرفته است ولی اگر فرض کنیم او کار خود را بطور جبر و بدون اختیار انجام دهد در این هنگام کار بر طبق خواسته خدا نبوده و خواسته او جامه هستی نبوده است در صورتی که گفته شد، اراده وی تخلف ناپذیر است.

اجمال پاسخ اینکه: اراده ازلی خداوند در یک صورت مستلزم جبر است و در یک صورت موید اختیار، هر گاه بگوئیم اراده خدا بر این تعلق گرفته است که هر پدیده‌ای از مبدع خود، بدون اراده و اختیار سر برزند در این صورت وجود چنین اراده ازلی موجب جبر بگری است.

ولی هر گاه جهان را جهان اسباب و مسببات بدانیم و برای هر پدیده‌ای یک علت خاص در نظر بگیریم، در میان علل، انسان را فاعلمختار بدانیم و بگوئیم که خواسته خدا از این ازل بوده که هر معلولی از علت ویژه خود صادر گردد و فعل هر انسانی از وی با کمال آزادی و نهایت اختیار سر برزند در این صورت میان یک چنین اراده ازلی و مسأله جبر بگری صدها فرسنگ فاصله وجود دارد. (دقت کنید)

